

عنوان مقاله:

نقش فلسفه تاریخ در نظریه امید کانت

محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 7، شماره 2 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسنده:

مرتضی نوری - دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

ه گواهی کتاب نقد عقل محض، یکی از دغدغه های اصلی کانت در سرتاسر پروژه نقادانه او یافتن پاسخی برای مسئله امید است: اگر انسان تکلیف های اخلاقی ای را که عقل بر گردن او نهاده به جای آورد، تا چه اندازه می تواند برای رسیدن به سعادت امیدوار باشد؟ جدایی نظام طبیعت از نظام اخلاق در فلسفه کانت توجیه این امید را به مسئله ای اساسی بدل می کند. اگر چه این مسئله، به گفته خود کانت، مسئله ای توأمان نظری و عملی ست، او در آثار نخستین خود می کوشد تنها با توسل به کارکرد عملی عقل بدان پاسخ دهد، اما به خاطر شکاف عمیقی که در فلسفه نظری و عملی او میان طبیعت و اخلاق وجود دارد، پاسخ او چندان قانع کننده نیست. مدعای اصلی این مقاله آن است که کانت در نقد قوه حکم با پل زدن میان طبیعت و اخلاق _ فلسفه نظری و فلسفه عملی _ در واقع در صدد رفع نواقص نظریه امید خود برآمد و در نهایت با به کارگیری مفهوم غایت مندی طبیعت در فلسفه تاریخ توانست نظریه ای قانع کننده در باب امید بیوراند.

کلمات کلیدی:

نظریه امید، اخلاق، سعادت، فلسفه نظری، فلسفه عملی، غایت مندی، فلسفه تاریخ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1300058>

